خیرالمومنین من کان مالفه للمومنین و لا خیر فیمن لا یالف و لا یولف

بهترین مؤمنان کسی است که با مؤمنان اُنس بگیرد و کسی که انس نگیرد و انس نپذیرد، خیری در او نیست.

نیم نگاه

استاد به روایت شاگرد

همیشه می‌گفت «از خدا طلبکار نیستیم»

حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسین فتحی، مدیر مؤسسه هنرو ادبیات هلال که نزدیک به سه دهه از محضر آیت‌الله فاطمی‌نیا بهره برده است، درباره شخصیت اخلاقی و علمی ایشان نکاتی را به خبرگزاری ایکنا گفته که در ادامه می‌خوانید.

جمله معروفش این بود «ما طلبکار خدا نیستیم». در شرایطی که خودش مریض بود، همسرش مریض بود، فرزندش هم سرطان داشت و کماکان درگیر بیماری است و همه خانواده در یک گرفتاری شدید قرار داشتند، وقتی فرزند ایشان می‌گوید این چه وضعی است که داریم، ایشان پاسخ می‌دهد: «بهترین وضع را داریم، مگر از خدا طلبکاریم؟» این‌ها گمشده‌های ماست. به نظرم آقای فاطمی‌نیا گیر اصلی را رد کرده بود. وقتی شما از این مرحله رد شوی با ملائکه و انبیا و اولیا همنشین هستی. ایشان در آن حس و حال بود. وقتی اسم بزرگانی را که دیده بود می‌آورد طوری صحبت می‌کرد و درباره‌شان نکته می‌گفت انگار با آن‌ها زیسته و زندگی کرده است، یعنی ذهن و ضمیرش مملو از زندگی و تاریخ بزرگان بود. همین‌طوری چیزهایی که در اساتیدش مشاهده کرده بود از وجودش فوران می‌کرد. به‌خصوص ایشان از محضر آیت‌الله بهاءالدینی استفاده کرده بود و به ایشان نزدیک بود. خودش می‌فرمود: استفاده‌های عجیبی از ایشان کردم. بعدها خدمت آیت‌الله بهجت می‌رسید. وقتی ایشان درباره این افراد صحبت می‌کرد فقط خاطره و داستان نمی‌گفت، بلکه به ابتهاج و وجدی می‌رسید که انگار دارد با تمام وجودش با آن‌ها زندگی می‌کند.

■ لطافت‌های یک روضه‌خوان

ایشان بسیار لطیف بود. کمتر کسی به لطافت ایشان دیده‌ام. من خودم روضه‌خوان هستم. روضه‌خوانی موقعیت‌های سختی دارد. وقتی می‌خواهید از اتفاقاتی که افتاده به‌خصوص در مورد عاشورا صحبت کنید خیلی سخت است. این همه سال که در محضر ایشان بودیم لطافتش اجازه نمی‌داد نه خودش وارد موضوع شود و نه کسانی که کنارش بودند. هر وقت می‌خواستیم در محضر ایشان نوحه بخوانیم با اشاره دست می‌گفت این را نگو. بعد که صحبت می‌کردیم، می‌گفت من نمی‌گویم این حرف‌ها دروغ است ولی آدم چطور می‌تواند بیان کند. این از لطافت ایشان بود. واقعاً اعتقاد داشت در مجالسی که برگزار می‌شود حضرات معصومین حضور دارند. گاهی به بنده تذکر می‌داد آدم جلو امام زمان(عج) این حرف را می‌زند؟ مثلاً در ایام فاطمیه می‌گفت: آدم چطور می‌تواند در مورد مادر امام زمان(عج) این حرف را بزند؟ این لطافت واقعی بود. یک موقع شاید ما ادا درمی‌آوردیم ولی ایشان حدود ۳۰ سال این روحیه را داشت. ایشان از حدود دهه ۷۰ که ۳۰ شب ماه رمضان در مهدیه تهران منبر می‌رفت و حاج منصور ارضی هم بعد از ایشان مناجات می‌خواند، از همان سال‌ها که در مجالس تهران منبر داشت و در مجالس بزرگان حاضر می‌شد این روحیه را داشت و این لطافت همیشه با ایشان بود.

■ این‌طور قرآن را به دست بگیرید...

یک نکته‌ای که از زبان ایشان درباره قرآن شنیدیم این بود که از علامه طباطبایی نقل می‌کردند: وقتی می‌خواهید قرآن بخوانید بدانید قرآن کلام خداست و خدا دارد با شما صحبت می‌کند؛ یعنی با این رویکرد کتاب خدا را دست بگیرید که انگار می‌خواهید با خدا صحبت کنید. یک نکته دیگر اینکه می‌گفتند: سیر انسان در معارف و به سوی خداوند با همین قرائت ساده قرآن حاصل می‌شود و همین قرائت ساده شما را به اوج می‌برد و هر آیه مانند یک نردبان است که شما به‌واسطه آن یک سطحی از معارف را طی می‌کنید.

موعظه

مرحوم آیت‌الله فاطمی‌نیا

اگر یقین نداشتم نمی‌گفتم

آیت‌الله فاطمی‌نیا از جمله اساتید اخلاق و روحانیون مشهوری بود که در دفاع از انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی و رهبر معظم انقلاب اسلامی به دفعات گوناگون سخن گفته و اعلام موضع کرده بود. آنچه در ادامه می‌خوانید متن یکی از سخنان ایشان است.

امشب در ختام این مجلس برایتان می‌گویم. بنده روی منبر امام حسین(ع)، در خانه خدا، آن هم در مجلس حضرت زهرا(س) اگر چیزی را یقین نکنم، نمی‌گویم. بدانید و آگاه باشید هر کس کوچک‌ترین حرفی در تضعیف مقام رهبری بزند، هر کس اندیشه‌ای داشته باشد که ضد مقام رهبری باشد، خدا او را نخواهد بخشید. این را یقین بدانید. قدردان رهبر باشید؛ اگر افکار پاشیده‌ای، پوسیده‌ای به شما عرضه کردند، قبول نکنید؛ این مرد بزرگ عزّ اسلام است و هر کس با این مرد بزرگ، با رهبر معظم انقلاب مخالفت کند، خدا از او نمی‌گذرد، اگر یقین نداشتم نمی‌گفتم. خدایا تو شاهدی که چیزی می‌دانم و می‌گویم، جوانی باشد، پیری باشد، هر کس باشد با یک مشت افکار پوسیده و پاشیده که از صاحبان هواهای فاسد، هواهای نفسانی گاهی عرضه می‌شود، اگر کسی گوش به حرف کسی بدهد و خدای نکرده با این مرد بزرگ که امروز آبروی اسلام است، عزّ اسلام است، این فرزند حضرت زهرا(س)، بخواهد مخالفت کند عاقبت بخیر نمی‌شود؛ حواستان باشد؛ یک چیزی می‌دانم و می‌گویم امروز از اوجب واجبات یکپارچگی و تأیید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. جوان‌ها یک وقت افکارتان را این‌طرف و آن‌طرف نکنید. فقط حواستان به رهبر باشد، گوشتان به رهبر باشد. فلان کسی چنین چیزی گفت، فلان روزنامه هم چنین چیزی نوشت، گوش ندهید، گوشتان به رهبر باشد. خدایا به حق زهرای مرضیه(س) این رهبر را حفظ کن. خدایا ما را قدردانش قرار بده. این را سربسته گفتم. گفت «العاقل یکفیه الاشاره» یک چیزی را می‌دانم عرض می‌کنم، مدعی علم غیب نیستم. هیچی نیستم. یک کودک نادانم، ولی بفضل‌الله و کرمه که یک معیارهایی در دست دارم که بر مبنای آن می‌دانم کسی مخالفت با این مرد بکند و توبه هم نکند خدا او را نمی‌بخشد، مگر توبه کند. یک عده با امام مخالفت کردند، امام را از دست دادند، هنوز دست بردار نیستند. مرحوم آیت‌الله آقای اراکی، شیخ‌الفقهاست، وقتی می‌رفت خدمت امام، دم در می‌ایستاد می‌گفت: السلام علیک یابن رسول‌الله بابی انت و امی، آن وقت داخل می‌شد. الان یادگار آن مرد، این بزرگوار است.

دیدگاه

روایت آیت‌الله فاطمی‌نیا از عطوفت و رأفت امام رضا(ع) چه بود؟

راوی مکتب «احسان و محبت»

نیکو کار | برخی مشایخ عرفانی می‌گویند ذکر حضرت امام رضا(ع) «یا رئوف یا رحیم» بوده است و به باور بعضی باید امام هشتم(ع) را پایه‌گذار مکتب «محبت و احسان» دانست، چرا که بیشترین ترویج این نظریه از طریق این حضرت بوده و به همین دلیل نیز امام رضا(ع) را به امام رئوف می‌شناسیم. اشاره به رأفت و عطوفت حضرت رضا(ع) یکی از محورهای همیشگی سخنرانی‌های مرحوم آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی‌نیا بوده است. همزمان با درگذشت این عالم بزرگوار، گزیده‌هایی از مجموعه سه‌جلدی «گفته‌ها از نکته‌ها» که متن سخنرانی‌های آیت‌الله فاطمی‌نیا در مشهد مقدس است را با همین محور انتخاب کرده‌ایم که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■ همین که وارد حرم می‌شوی...

علامه سیدمحسن حسین طباطبایی، صاحب تفسیر جلیل‌القدر و بی‌نظیر «المیزان» جمله‌ای در مورد حضرت فرمودند که حقا نیاز به یک کتاب شرح دارد!

فرمودند: همه ائمه، رئوف‌اند ولی رأفت امام رضا(ع) حسی است. همین که وارد حرم می‌شوی می‌فهمی که حضرت رئوف است!

■ یک میلیون حج!

هر کس حرم حضرت رضا(ع) مشرف می‌شود، یقین بداند توی کاسه‌اش چیزی می‌ریزند... منتها وقتی رفتی، عرض حاجت و توسل کردی، منتظر باش آن‌ها هرچه بریزند توی پیاله!

برحسب روایات معتبر، یک سلام به حضرت رضا(ع) ثواب یک میلیون حج دارد!

■ در حرم چه کنم؟

در خدمت آقای بهجت بودم؛ شخصی آمد و گفت: می‌خواهم بروم حرم؛ چکار کنم، توصیه‌ای می‌فرمایید؟! فرمودند: من بیشتر از آنچه در مفاتیح نوشته بلد نیستم؛ اما وقتی می‌روید آنجا، اتصال قلب به لسان باشد! [یعنی توجه و حضور قلب داشته باشید و دلتان همراه زبان و گفتارتان باشد.]

■ عنایت مستقل به زائر

یکی از اولیای خدا در کشف دیده بود حضرت رضا(ع) به تمام زائرانش مستقلاً عنایت دارد. آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (رضوان‌الله تعالی علیه) مؤسس حوزه علمیه قم و استاد بسیاری از شخصیت‌های بزرگ اسلامی بودند. پس از رحلتشان آن بزرگوار را در خواب دیده بودند. فرموده بود: من ۳۶ مرتبه به مشهد مشرف شده بودم و حضرت رضا(ع) هم ۳۶ مرتبه به دیدن من آمدند.

■ عنایت ویژه

در مشهد طلبه‌ای بوده ۱۵-۱۴ ساله، در سختی و تنگدستی به سر می‌برده است. روزی گرسنگی بر او غلبه می‌کند، مدتی چیزی نخورده بوده، کاری هم از دستش برنمی‌آید. به حالت ضعف شدید می‌افتد. با خود می‌گوید: حال که بناست بمیرم، بروم حرم و در آنجا بمیرم!

با نهایت سختی و دست به دیوار، خود را به حرم رسانده می‌افتد. می‌گوید: مدتی گذشت، خادم آمد گفت: بلند شو! می‌خواهیم در را ببندیم! با سختی فراوان خودم را به حجره رساندم، در بسته بود. قبل از اینکه در را باز کنم از پشت شیشه نگاه کردم، دیدم میوه غیرفصل در حجره است! خدایا، در حجره قفل است، این‌ها از کجاست؟!

رفتم داخل اتاق، مقداری از آن خوردم، ناگهان دیدم پرده‌ها کنار رفت، حجاب‌های ملکوتی برطرف شد! خلاصه می‌رسد به جایی که مرجع عالی‌قدر زمان، آیت‌الله‌العظمی بروجردی گاهی که با ایشان برخورد می‌کردند با اشتیاق با ایشان که آن موقع جوانی ۲۲ ساله بود، احوالپرسی می‌کردند و می‌فرمودند: آقای آشیخ علی خدمت نمی‌رسیم!

و او در جواب می‌گفت: ان شاءالله خدمت می‌رسم! (یعنی آیت‌الله بروجردی نهایت توجه و عنایت را به او داشتند و در نظرشان بسیار جلیل‌القدر بود.)

■ راهنمای زائر

از شخصی از دوستان ما که مرد بسیار نازنین و باصفا و بزرگواری است نقل کردند که گفت: یک وقتی تصمیم گرفتم برای زیارت حضرت ثامن‌الحجج(ع) به مشهد مشرف شوم. یک شخصی باغبان ما بود، خواستم خدمتی به او کرده باشم، او را هم دعوت کردم که با ما بیاید و میهمان ما باشد. او هم قبول کرد و مشرف شدیم. او یک مرد روستایی بود و برای اینکه زیارت او صحیح باشد، مراقب بودم در ورود و خروج و خواندن اذن دخول و کیفیت زیارت، او را راهنمایی کنم تا کاری را اشتباه انجام ندهد. وارد حرم که شدیم، بدون اعتنا به من وارد شد و به سوی ضریح مطهر حرکت کرد... دیدم رفت و خود را به ضریح رساند. من هم ناچار به دنبال او رفتم و او را می‌نگریستم که چه می‌کند!

دیدم دارد با حضرت صحبت می‌کند مانند کسی که با شخصی مستقیماً صحبت می‌کند و جواب می‌گیرد. مقداری که گذشت به او گفتم با که حرف می‌زنی؟ گفت: با آقا! گفتم: آقا کجاست؟ گفت: این آقاست، مگر نمی‌بینی؟! تازه فهمیدم عجب، او باید مرا به مشهد بیاورد و راهنمایی کند نه اینکه من او را بیاورم!

■ همین جا حاجتت را از امام(ع) بگیریم

خدا رحمت کند، صاحب دلی از دوستان ما در قم بود، گفت: سیدی بود در قم که در جوانی عالم و فاضل بود. علم اگر بدون تقوا باشد، موجب غرور و تکبر می‌شود. مال و ثروت هم همین‌طور است. خلاصه آن سید که در جوانی صاحب فضل و علم بود، مقداری بلندپروازی و تکبر داشت. در همان زمان یک شیخ دیگری بود که در مدرسه فیضیه یا جای دیگر، مقداری کتاب بساط می‌کرد و عمامه کوچکی هم داشت.

پس از مدتی این شیخ به مشهد مهاجرت کرد؛ اتفاقاً آن سید فاضل هم به مشهد مشرف می‌شود. شیخ او را می‌بیند، می‌رود جلو و سلام می‌کند و احوال او را می‌پرسد و می‌گوید: چرا اینجا آمدی؟!

سید می‌گوید: پنج مشکل باطنی دارم؛ آمده‌ام از حضرت رضا(ع) برای حل مشکلم استمداد کنم! شیخ او را به منزلش تعارف می‌کند و می‌گوید: بیا منزل ما یک چایی بخور بعداً برو حرم! او هم قبول می‌کند. ظاهراً مشکلات سید از امور مادی نبوده؛ یک حاجات و مشکلات روحی و قلبی بوده که قابل بیان نبوده است. انسان گاهی نیازها و مشکلاتی دارد که به زبان نمی‌آید؛ دردهایی که در باطن او است!

پس از صرف چای این شیخ -که شاید اصلاً مورد اعتنای سید نبوده- رو به سید نموده و می‌گوید: حالا می‌خواهی بروی و حاجات قلبی‌ات را از حضرت بگیری؟! اگر همین جا از حضرت بگیریم و در همین اتاق بدهیم چطور است؟

سید با تعجب می‌گوید: اینجا مگر می‌شود؟ شیخ می‌گوید: بله که می‌شود. سپس دستش را روی قلب سید می‌گذارد و می‌گوید: «یا اباالحسن یا علی بن موسی الرضا». سید می‌گوید: با این سخن او، گویا در سینه‌ام باران بارید؛ همه مشکلاتم حل شد! پس از آن می‌رود حرم و از حضرت تشکر می‌کند! ناقل می‌گوید: آن سید پس از این قضیه از سر و صدا و تکبر و غرور افتاد و متحول شد! بلی، انسان اگر چیزی بفهمد دیگر ادعا و سروصدا ندارد.

نکته‌ها از گفته‌ها

۲

نگاهی به زندگی و شخصیت مرحوم آیت‌الله فاطمی‌نیا

عارف شیرین سخن

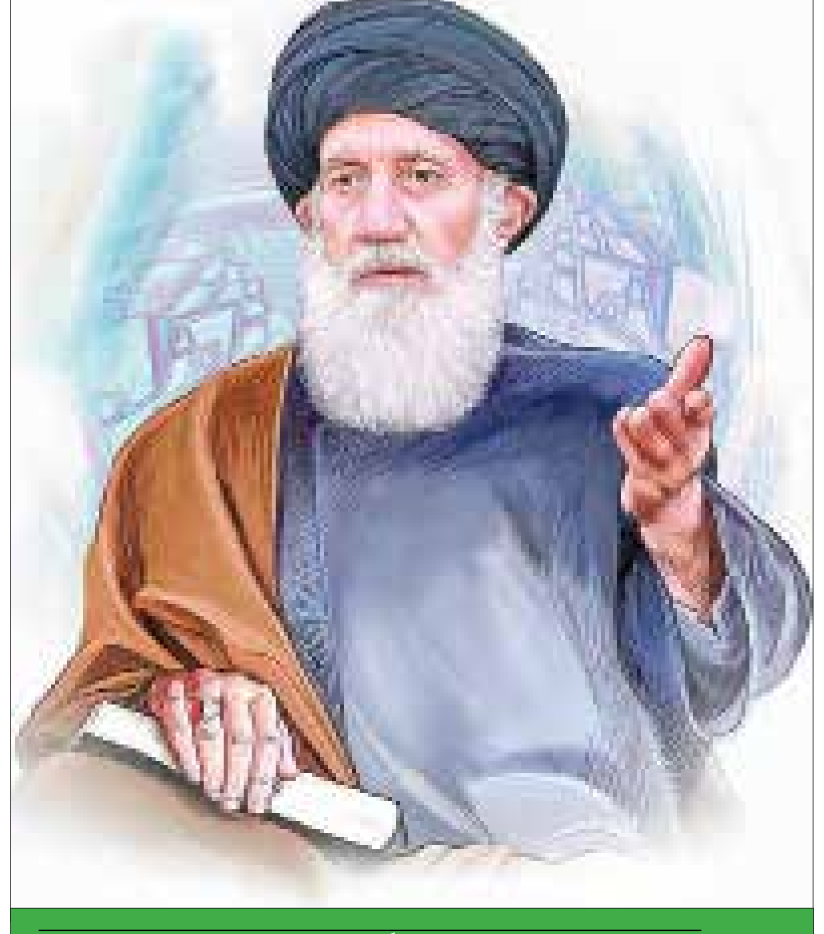

گزیده

علم و عرفان در خانواده فاطمی‌نیا انگار موروثی بود چون استاد ۷۶ یا ۷۷ سال پیش در تبریز و در خانه عالمی اهل عرفان، چشم به جهان باز کرد. پدرش آیت‌الله «حاج سید اسماعیل اصفهانی شندآبادی» که از روحانیون وارسته و سرشناس آذربایجان بود از همان ابتدا تعلیم و تربیت فرزندش «عبدالله» را به عهده گرفت.

مجید تربت‌زاده | مدتی پیش با همان لهجه و لحن دوست‌داشتنی که هیچ‌وقت شیرینی‌اش ته نمی‌کشید برایمان از مرگ گفت؛ جوری که بفهمیم مردن آن طور که گفته‌اند همیشه و برای همه مساوی با کوتاه شدن دست آدم از حیات و توانایی‌هایش نیست. آیت‌الله فاطمی‌نیا نگاهش به همه پیچیدگی‌های دنیا و عُقبی، عارفانه‌طور و مثل لحن و لهجه‌اش شیرین بود. خطیبی که نه تنها در حرف زدن از زندگی و دشواری‌هایش بلکه حتی وقتی از مرگ سخن می‌گفت، شهد امیدواری و دینداری را به کام مخاطبانش می‌ریخت: «آخه آدم مادی فکر می‌کنه وقتی مُردیم کار تمام میشه... مردن که تمام شدن نیست... تازه به یک گشایش رسیدنه... از قفس پریدنه. خدا انشاءالله عاقبت ما رو بخیر کنه... آقا... صاحب نفوس مستعده که می‌میرند دستشون از این دنیا بازتره... می‌دونی چرا؟ فرض کنید این مسجد رو الان می‌خوایم نقاشی کنیم، تعمیرات کنیم... بشکه و تخته و سطل می‌گذارن... کسی می‌خواد بیاد جلو، میگن نیا، اون‌طرف‌تر وایستا... اما وقتی این تیر و تخته را بردن بیرون، دستشان بازتر میشه... بنده می‌دانم... یقیناً این طور است؛ آنجا عالم کشف غطاء است. اینجا عالم گرفتاری است...».

■ پسر کو ندارد...

علم و عرفان در خانواده فاطمی‌نیا انگار موروثی بود چون استاد ۷۶ یا ۷۷ سال پیش در تبریز و در خانه عالمی اهل عرفان، چشم به جهان باز کرد. پدرش آیت‌الله «حاج سید اسماعیل اصفهانی شندآبادی» که از روحانیون وارسته و سرشناس آذربایجان بود از همان ابتدا تعلیم و تربیت فرزندش «عبدالله» را به عهده گرفت. برای اینکه جمله قبلی درباره علم و عرفان موروثی را غلو حساب نکنید، درباره حاج سید اسماعیل بیشتر می‌نویسم.

«سید اسماعیل» مثل بقیه همسن و سالانش، ابتدا در مکتبخانه‌های آن زمان قرآن و خواندن و نوشتن آموخته بود و بعد به حوزه علمیه شهر شبستر رفته و همان‌جا دروس دینی را تا سطح عالی نزد استادان سرشناسی چون آیت‌الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری خوانده بود تا بعدها خودش هم بشود از جمله مدرسان سرشناس این حوزه علمیه. آیت‌الله شندآبادی به جز تدریس، در امور اجتماعی هم بسیار فعال بود و علاقه خاصی هم به احیای مراکز دینی و فرهنگی که رونق خود را از دست داده بودند، داشت. خلق و خوی نرم و مهربانی‌هایش سبب شده بود نفوذ معنوی بسیاری میان مردم پیدا کند. فرزندش درباره او گفته بود: «پدرم بسیار کریم‌النفس، منیع‌الطبع، سخی، صبور و شجاع بود. در قضای حوائج مؤمنان و رسیدگی به مستمندان و مریضان همت عجیبی داشت. کارش خالصانه بود و از مقام و جاه‌طلبی به‌شدت پرهیز داشت... در سال رحلت مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی، روزنامه ندای حق عکس مراجع تقلید آن زمان را چاپ کرده بود که عکس امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه هم در میان آنان بود. مرحوم پدرم عکس ایشان را به ما نشان داده و گفت: تنها شخص جامع‌الشرایط از جمیع جهات ایشان هستند». آیت‌الله اصفیایی پس از انقلاب مدتی امام جمعه شهر مراغه بود. سال‌های پایانی عمر را هم در قم زندگی کرد و سال ۱۳۶۸ از دنیا رفت.

■ عالم رجالی

«عبدالله» پس از اینکه مدتی نزد پدر شاگردی می‌کند، افتخار پرورش یافتن در محضر آیت‌الله مصطفوی تبریزی معروف به «عارف کبیر» و از شاگردان آیت‌الله سیدعلی قاضی را پیدا می‌کند. این شاگردی کردن البته نزدیک به ۳۰ سال طول می‌کشد تا تحت تربیت ظاهری و باطنی استادی بزرگ قرار بگیرد. در این سال‌ها تحصیلات حوزوی را هم دنبال کرده و محضر اساتیدی چون علامه محمدحسین طباطبایی، آیت‌الله الهی تبریزی، آیت‌الله محمدتقی آملی، آیت‌الله سیدرضا بهاءالدینی، آیت‌الله بهجت و دیگر بزرگان را هم درک می‌کند. می‌شود گفت آیت‌الله فاطمی‌نیا با یک واسطه، از شاگردان آیت‌الله قاضی است چون تقریباً تمام اساتیدش از شاگردان سرّ آیت‌الله قاضی بودند.

با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت می‌توانید خیلی خلاصه درباره او و فعالیت‌هایش این‌ها را هم پیدا کنید: ایشان از کارشناسان علوم اسلامی بود و به تحقیق و پژوهش در این زمینه اشتغال داشت؛ از دیگر فعالیت‌های ایشان می‌توان به تدریس در حوزه‌های علمیه، حضور در برنامه‌های مذهبی صداوسیما به عنوان کارشناس و سخنرانی در مراکز حوزوی و دانشگاهی اشاره کرد. آیت‌الله فاطمی‌نیا در مورد علم رجال و عرفان نظری دارای آگاهی گسترده بود و در عین حال بیشتر به خطابه در منابر عمومی می‌پرداخت. ایشان از مفسران معروف و زبردست صحیفه سجادیه و نهج‌البلاغه هم به حساب می‌آمد.

■ مغزت را تسلیم هر کسی نکن

این صحبت‌های استاد را بخوانید که مال همین چند سال پیش است: به عنوان یک طلبه پیر نصیحتی برای شما دارم؛ در تهران آن‌قدر گفتم دیگر خسته شدم، گفتم شاید زیاد دارم تکرار می‌کنم؛ لذا دیگر تکرار نکردم... هر نواری گوش دادن ندارد... هر منبری گوش دادن ندارد... شاید منبر من هم از آن‌ها باشد... هر کتابی خواندن ندارد... ای جوانان! اگر چنین کنید ذائقه‌تان خراب می‌شود، این مغز را تسلیم هر کسی نکنید... اگر برای یکی از اعضای بدن اتفاقی بیفتد؛ مثلاً دستی بشکند و گچ گرفته شود؛ بعد از یک ماه که آن را باز کنند، آن دست از دست دیگری کمی لاغرتر است؛ چون این یک ماه را کار نکرده است. مغز ما انسان‌ها نیز همین‌طور است، امروز بیماری آلزایمر در کشور زیاد شده که امیدوارم خدا به همه سلامتی بدهد؛ ممکن است بخشی از علت آن هم این باشد که مردم دیگر خیلی به مغزشان زحمت نمی‌دهند... این را باور کنید، بسیاری از حرف‌ها مبتذل شده است، مردم حاضری‌خور شده‌اند، تلویزیون را بزنند چیزی ببینند، روزنامه‌ای بخوانند، حرف این و آن را بشنوند؛ اما اگر مغز ۱۰ تا ۲۰ دقیقه منسجم زحمت بکشد، این‌طور نمی‌شود... مرحوم شهریار در زمان خودش سلطان‌الشعرا بود... گروهی رفته بودند دیدنش... اواخر عمر شهریار بود؛ از شهریار نصیحتی خواستند؛ او گفت: «شعر وسط نخوانید که مغز و استعدادتان وسط می‌ماند؛ بلکه شعر بلند و والا بخوانید...».

■ جاذبه‌های منبر

هفت سال پیش درباره روش‌های نوین و جذابی که باید در منبرها مورد استفاده قرار بگیرد گفته بود: «منبر باید صرفاً برای تقرب به خداوند تبارک و تعالی و رضایت امام زمان(عج) باشد. پس جاذبه‌های منابر هم باید معقول و مقبول صاحب شریعت باشد. مگر چه مانعی دارد برای اینکه مستمع خسته نشود مطایبه‌های سنگین و مناسب شأن منبر و روحانیت مطرح شود؟ یا استشهاد از اشهاد صاحبان معرفت برای مطالب خود خوب است، مشروط بر اینکه منبری باسواد باشد... با احادیث اهل بیت(ع) آشنایی داشته و در ادب عربی و فارسی زحمت کشیده باشد. همان‌طور که پزشک براساس مبانی علم خود و با لحاظ قرار دادن همه مسائل دارو تجویز می‌کند، خطبا نیز باید سخنان خود را براساس مبانی عقلانی مطرح کنند، نه آنکه به طرح مسائلی بپردازند که از احساس آن‌ها سرچشمه گرفته باشد. این موضوع حتی در رسانه ملی ما نیز دیده می‌شود. متأسفانه برخی سخنرانان و کارشناسان در صداوسیما حرف‌هایی را مطرح می‌کنند که درست نیست.

■ بیا رفیق باشیم

سید حسن فاطمی‌نیا، فرزند بزرگ استاد فاطمی‌نیا و داماد شهید بهشتی است. او چند سال پیش در مصاحبه‌ای از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری پدرش گفته بود؛ خواندن بخش‌هایی از آن برای شناخت بیشتر استاد فاطمی‌نیا خالی از لطف نیست: «حاج‌آقا در شیوه‌های تربیتی خودشان به هیچ‌وجه در هیچ موردی به‌ویژه برای انجام فرائض دینی سخت‌گیری نمی‌کردند اما به‌هر حال انجام فرائض دینی یا برخی رفتارها و رفت و آمدها کنترل می‌شد ولی نه با شیوه‌های سخت‌گیرانه. ایشان با محبت و صمیمیتی که بین خودشان و فرزندان به‌وجود آورده بودند مسائل را حل می‌کردند. برای همین ما ناخودآگاه هر آنچه را موجب ناراحتی ایشان می‌شد ترک می‌کردیم. مهربانی، بردباری و خوش‌رفتاری ایشان همیشه در ذهنم بسیار پررنگ است. البته ایشان به مسائل مهمی مثل حق‌الناس و سوءاستفاده نکردن از امکانات بیت‌المال بسیار حساس‌اند. به‌یاد دارم تازه از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده بودم و قرار بود مهر همان سال وارد دانشگاه شوم. ایشان فرمودند الان از مدرسه بیرون آمدی و وارد محیط بزرگ‌تری خواهی شد. افراد مختلف با سلیقه‌ها و عقاید گوناگون را پیرامون خود خواهی یافت و با آن‌ها هم‌صحبت و همکلاس خواهی شد. به‌یاد داشته باش اگر به هر قدمی که برمی‌داری و هر لحظه‌ای که از آن عبور می‌کنی دقت نداشته باشی ممکن است به نقطه‌ای برسی که اگر الان به تو بگویند در آن جایگاه قرار خواهی گرفت از غصه قالب تهی کنی. انحراف قدم به قدم انسان را به سمت ضلالت می‌کشاند. پس در هر کاری که می‌کنی و هر ارتباطی که برقرار می‌کنی و در هر مسیری قرار می‌گیری دقت کن و سرانجام کار را در نظر بگیر. در آخر هم گفتند ما غیر از رابطه پدر و پسری با هم دوست هستیم. اگر دوست داشتی می‌توانی خیلی از مراحل و کارها را با من مطرح کنی و مثل دو رفیق با هم در آن مسئله صحبت کنیم. روحیه پدرم به طبیعت خیلی نزدیک است و گاهی حتی یک گل کوچک کنار جوی هم توجه ایشان را جلب می‌کند... حاج‌آقا بسیار به شعر نزدیک هستند...».

■ شرمنده خداییم

بیماری استاد مال همین یکی دو سال نبود. اولین بار سال ۹۷ خبرگزاری‌ها از قول یکی از نزدیکانش نوشتند: «پس از بررسی آزمایش‌های فاطمی‌نیا توسط پزشک ایشان، اعلام شد مبتلا به سرطان شده‌اند. در حال حاضر یک جلسه شیمی درمانی را گذراندند و حال عمومی ایشان خوب است. بناست جلسات شیمی درمانی ادامه پیدا کند». مداوا برای مدتی اثربخش بود و استاد فاطمی‌نیا دوباره به منابر برگشت. دو سال بعد اما سرطان نرفته برگشت و استاد را روی تخت بیمارستان انداخت. بستری شدن البته او را از مطالعه نینداخت. فرزندش آن زمان با تشریح حال وی به خبرنگاران گفته بود: «می‌توان گفت بیماری دوباره بیدار شده و مقداری حاج‌آقا را اذیت می‌کند... این بیماری مشکلات خود را دارد و حاج‌آقا در این سن و با مشکلاتی که درگیر است، حتی روی تخت بیمارستان برنامه علمی و مطالعاتی خود را تعطیل نمی‌کند. تا زمانی که بیمارستان بود، به من سفارش می‌کرد چه کتاب‌هایی را برای وی ببرم. بارها در آخر شب و هنگام استراحت حاج‌آقا دیده‌ام درحالی که کتاب در دستش است، به خواب می‌رود».

این فقط من و شما نیستیم که هرگز چیزی درباره شکوه و شکایت استاد از بیماری یا وضعیت زندگی‌اش نشنیده‌ایم. حتی اعضای خانواده او هم هرگز ناله و شکایتی از او نشنیده‌اند. گواهش صحبت‌های «سید حسن فاطمی‌نیا» است که گفته بود: «حدود ۲۰ سال است یکی از برادرانم دچار یکی از سخت‌ترین بیماری‌هاست، بیماری مادر نیز مدتی است شدت گرفته و وضعیت پدر هم که مشخص است. با وجود این یک شب خدمت حاج‌آقا گفتم: چرا ما دچار چنین وضعیتی شدیم؟ ناگهان دیدم رنگ صورت پدرم برافروخته شد و گفت: غرق در نعمتیم؛ شرمنده خدا هستیم و هیچ طلبی هم نداریم!».

آگهی فقدان سند مالکیت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

به روایت خود

توصیه آیت‌الله فاطمی‌نیا به وعاظ و مداحان چه بود؟

حاصل ۵۰ سال منبر رفتن

پیش از این در گفت‌وگویی گفته بود: «تعارف نداریم، کفگیر ما دارد یواش یواش به ته دیگ می‌رسد، در گذشته مجتهدان روی منبر می‌رفتند، اما امروز...». گوینده این جملات، آیت‌الله فاطمی‌نیا، کسی که همه او را به منبرهای سرشار از محبتش می‌شناختند، حالا با رفتنش بیشتر از همیشه معنای این جملات را به ما فهماند تا بدانیم چقدر نسبت به دیروزی که بود و پای منابرش بودیم، دست خالی‌تر شدیم. آنچه در ادامه می‌خوانید گزیده‌هایی از گفت‌وگوی ایشان با خبرگزاری فارس است که در آن مرحوم فاطمی‌نیا توصیه‌هایی را به اهل منبر، هیئت‌های مذهبی و مداحان می‌کند.

■ تعارف نداریم، کفگیر ما دارد یواش یواش به ته دیگ می‌رسد

این عالم ربانی در بخشی از سخنانش اشاره داشت: آقا! ببینید تعارف نداریم، کفگیر ما دارد یواش یواش به ته دیگ می‌رسد، در گذشته مجتهدان روی منبر می‌رفتند، اما امروز... . آیت‌الله بهجت(ره) درباره محتوای سخنرانی در جلسات عزاداری اشاره داشتند که منبری‌ها از نهج‌البلاغه بگویند، بنده دیدم ایشان درست می‌گویند، ولی اگر بخواهیم نهج‌البلاغه را برای مردم شرح بدهیم، شاید همه مردم متوجه نکات و ظرایف آن نشوند و باید بر اساس عقول مردم با آن‌ها سخن گفت. سخنرانان می‌توانند یک جمله از نهج‌البلاغه، مقداری از قرآن کریم یا فرازهایی از دعای عرفه را محور صحبت‌های خود قرار دهند، در کنار این موارد روضه‌ای هم باشد، یعنی صحبت خشک تنها نباشد.

■ این تجربه کسی است که ۵۰ سال منبر رفته است

وی افزود: در یک جمع‌بندی برای اهل منبر عرض کنم دعای عرفه، قرآن، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه را ملاک قرار دهند. این تجربه کسی است که ۵۰ سال منبر رفته است. حال در برخی از مجالس آش، شله‌زرد، شربت و پلو می‌دهند، کار درستی هم هست، خدا هم قبول کند، اما می‌خواهم بگویم علاوه بر این‌ها باید به فکر معرفت و آگاهی مردم هم بود.

■ مداح نباید با فعل و حرکتش شأن اهل بیت(ع) را پایین بیاورد

آیت‌الله فاطمی‌نیا در ادامه با اشاره به حواشی آن دوران درباره برخی هیئت‌ها بیان کرد: امان از دست برخی مداحان که مراعات نمی‌کنند! مداح نباید با فعل و حرکتش خدایی نکرده شأن اهل بیت(ع) را پایین بیاورد، بنده با این مخالف هستم، اینکه مداح می‌خواهد مردم گریه کنند واقعاً خوب است، ولی به‌تازگی چند فیلم به من نشان دادند که در بعضی از هیئت‌ها حرکات خارج از عرف عزاداری انجام می‌دهند.

■ خاطره آیت‌الله فاطمی‌نیا از رهبر انقلاب

او همچنین خاطره‌ای از رهبر انقلاب تعریف کرد: ۲۰ سال پیش خدمت رهبر معظم انقلاب رسیده بودم، چند نفر از اهل علم هم حضور داشتند. یقین دارم آقا با این عزم راسخی که در این موضوع دارند شاید موانعی برایشان به‌وجود آمده است، معظم‌له با ناراحتی فرمودند: آقا باید یک دانشگاه تبلیغ تأسیس شود که هرکس از راه برسد به منبر نرود. خلاصه مطلب اینکه ایشان خیلی با ناراحتی فرمودند: هرکس از راه می‌رسد منبری می‌شود، بله! واقعیتی است و باید دانشکده دارالتبلیغ تأسیس شود.

■ توصیه‌ای خطاب به مسئولان هیئت‌ها

این استاد اخلاق در این گفت‌وگو توصیه‌ای خطاب به مسئولان هیئت‌ها داشت: باز تأکید می‌کنم مداح یا سخنران نباید برای اینکه مردم را به گریه وا دارند، دست و پا بزنند و از هر کجا مایه بگذارند، در حالی که گریه دست خداست! خلاصه عرایضم این است که سخنرانان مطالب را کوتاه بگویند، اطاله نکنند تا مردم از جلسات سخنرانی زده شوند.

از نگاه دیگران

حجت‌الاسلام واعظ موسوی از شاخصه‌های علمی آیت‌الله فاطمی‌نیا می‌گوید

سطح منبر را ارتقا داد

آیت‌الله فاطمی‌نیا سطح منبر را ارتقاء داد، برای ایشان کسر شأن نبود که در کسوت یک محقق پا به عرصه منبر بگذارد. برخی اندیشمندان وقتی مقام محقق دریافت می‌کنند، کسر شأنشان می‌دانند در کسوت وعظ و خطابه ظاهر شوند.

حجت‌الاسلام واعظ موسوی از سخنرانان و وعاظ مذهبی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم با اشاره به برخی شاخصه‌های علمی و اخلاقی آیت‌الله فاطمی‌نیا گفت: خاطرم است از اوایل دهه ۷۰ با ایشان آشنا شدم. نکته‌ای که در همان جلسات اول برایم جلب توجه کرد، اطلاعات بالای علمی ایشان و معنویت آن مرحوم بود. بسیار جذاب، متقن و علمی و از طرفی هم بسیار دلنشین سخنرانی می‌کردند و سخنانشان به جان می‌نشست و در نفس‌ها نفوذ می‌کرد. یک نکته بارز در شخصیت ایشان این بود که در عرصه‌های فرهنگی و مذهبی مثل یک کارآگاه عمل می‌کرد؛ مثلاً از وهابیونی که متون حدیثی و تاریخی را تحریف و یا کم و زیاد می‌کردند، مچ‌گیری می‌کرد. ایشان نسخه‌های اولیه را می‌یافت و به استناد آن‌ها اثبات می‌کرد در چاپ‌های بعدی آن اثر سرقت شده است.

واعظ موسوی با اشاره به اینکه شخصیت‌هایی مثل آیت‌الله فاطمی‌نیا سطح منبر را از حالت عوامانه بالا بردند، گفت: برخی از منبری‌ها و نیز اهل وعظ و خطابه گاهی حرف‌های سبک و سستی می‌زنند و هیجان‌مدارانه صحبت می‌کنند. با سخنان سبک و بی‌پایه، مردم را هیجانی می‌کنند. این‌ها به منبر جفا می‌کنند و در نهایت مورد تمسخر دشمنان قرار می‌گیریم. برای ایشان کسر شأن هم نبود که در کسوت یک محقق پا به عرصه منبر بگذارد. برخی اندیشمندان وقتی مقام محقق به ایشان اعطا می‌شود، کسر شأنشان می‌دانند در کسوت وعظ و خطابه ظاهر شوند. ایشان منبر را جایگاه بسیار مهمی می‌دانست و لذا هیچ‌وقت آن را ترک نکرد. این مسئله، گویای خلوص ایشان است. به قضاوت دیگران کاری نداشت. با درد مادی و معنوی و انحرافات فرهنگی و عقیدتی هم آشنا بود.

این سخنران مذهبی با تصریح بر اینکه آیت‌الله فاطمی‌نیا واعظی محقق و مطلع بود، افزود: ایشان واعظی بود که به متون اولیه دسترسی داشت و بسیار مستند صحبت می‌کرد. از متون دست چندم استفاده نمی‌کرد. بنابراین در یک نگاه کلی، ایشان ذو وجوه بود؛ یعنی در عین اینکه محقق، مورخ و حدیث‌شناس بود، با قرآن هم بیگانه نبود. سخن بلیغی داشت. فصیح و بلیغ سخن می‌گفت و از طرفی نفس پاکی داشت و بنابراین حرفش به دل می‌نشست. با مقدس‌بازی‌ها و تحریف‌ها مبارزه می‌کرد. در مقام عرفان نظری و عملی بی‌بهره نبود. از بزرگانی همچون آیت‌الله بهاءالدینی و طباطبایی و بهجت بهره برده بود.

حجت‌الاسلام واعظ موسوی افزود: به نظرم برای اهل منبر و فضلا و محققان یک الگو بود. برخی کنج عزلت می‌گزینند و به تحقیق خود می‌پردازند و با مردم بیگانه هستند، اما آیت‌الله فاطمی‌نیا به عرصه اجتماع و تلویزیون می‌آمد، به هیئت‌های مذهبی می‌رفت، با جوانان حشر و نشر داشت. بر خلاف اینکه زبان اهل فلسفه و عرفان را فقط شاگردان خودشان می‌فهمند، زبان ایشان همه‌فهم و ساده بود.

تزاوروا و تحابوا و تصافحوا و لا تحاشموا

به دیدن یکدیگر روید تا یکدیگر را دوست داشته باشید و دست یکدیگر را بفشارید و به هم خشم نگیرید.

حواشی

دلیل گریه علامه امینی

آیت‌الله فاطمی‌نیا: «علامه امینی در حالی که به پهنای صورت اشک می‌ریخت، فریاد زد و گفت: مگر رسول خدا نفرمود: انا و علی ابوا هذه الامه؛ من و علی دو پدر این امت هستیم. دو تا پدر به این عظمت و بزرگواری داریم. سپس مثال زد و فرمود: انسان دو تا پدر پولدار داشته باشد، برود گدایی کند؟ چرا گدایی می‌کنید؟! بروید و از این بزرگواران حوائجتان را بگیرید!»

حواشی

دعا را برای ترقی بخوانید

آیت‌الله فاطمی‌نیا: «اهل بیت(ع) فرموده‌اند: کاری کنید که قرآن برایتان شیرین بماند؛ دعا برایتان شیرین بماند! دعاهای مأثوره بسیار فضائل دارد؛ اما اثربخشی این‌ها منوط است به دوری از گناه... مرحوم پدرم خودش از صلحا و اولیا بود، می‌فرمود: دعاها را برای ترقی بخوانید؛ ثواب خودش می‌آید».